

مامان و معنی زندگی

داستان‌های روان‌درمانی

اروین د. یالوم

ترجمه‌ی سپیده حبیب

با مقدمه‌ی

دکتر جعفر بوالهیری

(رئیس انستیتوروانپزشکی تهران)

Yalom, Irvin D

سرشناسه: یالوم، اروین دی، ۱۳۴۹-م.

عنوان و نام پدیدآور: ما، انسان و معنی زندگی: داستان‌های روان‌دورانی / اروین د.

یالوم؛ ترجمه‌ی سیده حبیب، یا مقدمه‌ی دکتر جعفر بوالهیری

مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۳۵۲ ص

فروست: سلسله انتشارات، ۱۱۷۹. رمان (داستان خارجی) ۷۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۹۷۲۰۷۰-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Momma and the Meaning of Life tales of

psychotherapy, 2000

یادداشت: چاپ قبلی: کاروان، ۱۳۸۷

یادداشت: چاپ دوم

موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکایی - قرن ۲۰ م

موضوع: داستان‌های روان‌شناختی

شناسه‌ی افزوده: حبیب، سیده، ۱۳۴۹-، مترجم

شناسه‌ی افزوده: بوالهیری، جعفر، مقدمه‌نویس

رده‌بندی کنگره: ۲ ۱۳۸۹ م الف ۷ / P5T5V۳

رده‌بندی دبویی: ۸۱۳/۵۴

شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۸۴۷۵۲۱۲

دکتر سیده حبیب، آثار دکتر اروین یالوم را با اطلاع و موافقت ایشان به فارسی ترجمه می‌کند.



نشر قطره

مامان و معنی زندگی

داستان‌های روان‌درمانی

اروین د. یالوم

Momma and the Meaning of Life

Tales of Psychotherapy

Irvin D. Yalom

مترجم: سیده حبیب

چاپ سوم (چاپ دوم نشر قطره) پاییز ۱۳۹۰

چاپ یکا

تیراژ: ۲۴۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

تکثیر تمام یا بخشی از این کتاب به هر شکلی

(به صورت صوتی، تصویری، الکترونیکی و...)

منوط به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

خیابان فاطمی، خیابان ششم، پلاک ۳

دورنگار: ۸۸۹۶۸۹۹۶

۸۸۹۵۶۵۳۷ و ۸۸۹۵۲۸۳۵ و ۳ - ۸۸۹۷۳۳۵۱

صندوق پستی: ۵۱۶۵ - ۱۴۱۵۵

سایت رسمی فروش اینترنتی (قطره‌شاپ)

www.GhatrehShop.com

www.nashreghatreh.com

nashreghatreh@yahoo.com

Printed in The Islamic Republic of Iran

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	قدردانی
۱۵	۱. مامان و معنی زندگی
۳۳	۲. همنشینی با پائولا
۸۳	۳. تسکین از نوع جنوبی
۱۲۱	۴. هفت درس پیشرفته در درمان سوگ
۲۱۱	۵. رویارویی دوجانبه
۲۷۱	۶. طلسم گریه‌ی مجار
۳۳۱	پی‌نوشت نسخه‌ی منتشره‌ی پرنیال
۳۴۳	یادداشت نویسنده

مقدمه

این روزها آموزش و درمان روانپزشکی در ایران مانند سایر رشته‌های پزشکی بد دورانی را می‌گذراند. مشتاقان روانپزشکی با رویکرد مراجع محور، انسان گرا، متعالی و در شأن روانپزشکان و بیماران هوشمند ایرانی دوران گذار سختی را طی می‌کنند و خود را با برنامه‌ها و تغییراتی کوچک، سطحی و نامؤثر سرگرم کرده‌اند. در نظام آموزش روانپزشکی امروز ایران متون آموزشی موجود، کتاب مقدس شده‌اند و استادان و مدرسان، خشکه مقدسان و متعهدان به آیه‌های 'پاتویونوروفیز یوشیمیایی'؛ دستیاران روانپزشکی ترسایان و طلبه‌هایی هستند بی‌چون و چرا و معصوم؛ کلاس‌ها، دوره‌ها و بخش‌های آموزشی، فضاهایی ماشینی و یخ‌زده‌اند برای تشریح بیماران روان پریشی که از بی‌کس و کاری بیمار شده و به ابزار آموزش استادان یا درآمدزایی بیمارستان‌های خود کفا

بدل شده‌اند؛ و هر روز داروی معجزه‌گر جدیدی از نوع خارجی و اصیل آن توصیه می‌شود آن هم نه براساس نتیجه‌ی پژوهش بر بیماران ایرانی، بلکه براساس توصیه‌ی کمپانی‌های قارچ‌گونه‌ی خارجی، نوشتن نسخه از روی دست استادان برجسته و تأکید داروخانه‌ها. و در این میان سرگردانی و بی‌کاری بیماران در بخش‌ها، انتظار برای ترخیص و بازگشت نزد خانواده، عود بیماری در خانه و برگشت به فهرست انتظار دردآور بیمارستان‌های روانی، خود داستان غمبار دیگری است.

این سناریوی کوتاه ایرانی، که تصویری از پاتولوژی آموزش روانپزشکی در ایران است تقلیدیست از یک سناریوی غمبار بزرگ‌تر که می‌توان آن را «جنبش جهانی بیولوژیک» در روانپزشکی لقب داد که اروین یالوم در آغاز بخش داستان تسکین از نوع جنوبی از همین کتاب به زیبایی به آن پرداخته است. یالوم در این کتاب و سایر آثارش از جمله هنر درمان^۱ و وقتی نیچه گریست^۲ که به فارسی هم ترجمه شده‌اند، از سد جمود، ماشینسم، ارخودیگانگی، رفتارهای ناپخته و وابسته به «مامان‌های» خودشیفته‌ی دست‌اندر کار طب و دیگر مقابله‌ها و دفاع‌های پاتولوژیک عبور کرده و با دادن درس روانشناسی خود، روانکاوی دفاع‌های خود، انتقال و انتقال متقابل، روانشناسی وجودی، روانشناسی معنویت، انسان‌گرایی، ارتباط، همدلی، هوش هیجانی و خلاصه درس هنر درمان که عجیب با رواج بازار بی‌هنران در کلاس‌های درس دستیاران روانپزشکی و در رسانه‌های امروزی روانپزشکی ایران غریب مانده است، دست درمانگران، استادان، دستیاران و بیماران را با صمیمیت می‌فشارد، آن هم با زبانی شیوا و هنرمندانه که جای آن در میان روانپزشکان هنرمند ایرانی خالی است.

۱. هنر درمان، ناله‌ای سرگشاده به روان در مانگران نسل جدید و بیمارانشان، اروین د. یالوم، ترجمه‌ی سپیده حبیب، انتشارات کاروان، ۱۳۸۶

۲. وقتی نیچه گریست، اروین د. یالوم، ترجمه‌ی سپیده حبیب، انتشارات کاروان، ۱۳۸۵.

چه خوب است مصداق کلی گویی بالا از متن کتاب و با قلم خود یا لوم آورده شود:

«اگر چه وانمود می کنم راه حل هر فرد را بدون قضاوت می پذیرم، در نهان راه حل ها را در سه گروه برنزی، نقره ای و طلایی طبقه بندی می کنم. بعضی افراد سراسر زندگی را جنگی کین خواهانه می بینند که باید در آن پیروز شد، گروهی غرق در نومیدی تنها رؤیای صلح، رهایی و آزادی از رنج را در سر می پروراند، برخی زندگی شان را فدای موفقیت، ثروت، قدرت یا حقیقت می کنند، برخی دیگر در پی تعالی خویشند و در علتی یا موجودی دیگر - معشوق یا ذات الهی - غوطه ور می شوند، دیگرانی هم هستند که معنای زندگی را در خدمت به دیگران، در شکوفایی یا در آفرینش می بینند.» (صفحه ی ۲۲).

یا لوم در جایی دیگر (صفحه ی ۳۳) درباره ی فراگیری پزشکی در دوران دانشجویی خودش و اینکه استادان یادگیری از بیماران را تدریس نمی کرده اند - چنانچه ما هم تدریس نمی کنیم - می گوید: «یادگیری درباره ی بیماران؟ بله کار ما در دانشکده ی پزشکی همین بود. اما یادگیری از بیماران؟ این جنبه از تحصیلات عالی ام خیلی دیر شروع شد. شاید استادم «جان وایت هورن» شروعش کرد که اغلب می گفت: به بیمارانتان گوش کنید، بگذارید درستان بدهند. برای خردمندتر شدن باید دانشجوی بمانید. و منظورش تنها این واقعیت پیش پا افتاده نبود که شنونده ی خوب بیشتر درباره ی بیمار می آموزد. منظورش دقیقاً این بود که باید اجازه بدهیم بیماران تعلیم مان دهند.»

او درباره ی یکی از مراجعینش به نام پائولا که با سرطان پیشرفته ی سینه نزد او آمده بود، با شناختی هستی گرایانه و احساسی انسانی و معنوی از فضای ماشینی و غیر انسانی پزشکی می گوید (صفحه ی ۳۹): «بعد درباره ی روزهای هولناک عود سرطان برایم گفت. آن را دوره ی تصلیب خود می خواند و مکان تصلیب هم همان بود که همه ی بیماران دچار عود سرطان تجربه می کنند:

اتاق‌های پر تو درمانی با گویچه‌های فلزی آویزان از سقف که روز قیامت را به یاد می‌آورد، تکنیسین‌های بی‌عاطفه و به‌ستوه‌آورنده، دوستانی که نمی‌توانستند تسلی‌دهند، دکترهایی سرد و بی‌اعتنا و از همه بدتر، سکوت کرکننده‌ی مخفی‌کاری که بر همه جا حاکم بود. با گریه برایم تعریف کرد که وقتی به جراحش که با او دوستی بیست ساله داشت، تلفن کرده، فقط توانسته با پرستار صحبت کند و جواب بشنود که نیاز به وقت دیگری نیست، چون دکتر دیگر کاری از دستش بر نمی‌آید. و می‌پرسید: دکترها چه‌شان است؟ چرا نمی‌فهمند حضور بی‌ریا و صمیمانه‌شان برای بیمار چقدر مهم است؟ چرا متوجه نیستند همان لحظه‌ای که دیگر کاری از دستشان ساخته نیست، بی‌س از هر زمانی به وجودشان احتیاج است؟ خلاصه اینکه جای جای داستان همنشینی با پائولا، درس ارتباط پزشکی - بیمار است.

هنگام مطالعه‌ی کتاب باید این نکته را در نظر داشت که دو داستان آخر (رویارویی دو جانبه و طلسم گریه‌ی مجار) برخلاف سایر داستان‌های کتاب، تخیلی‌اند و همان‌طور که یالوم در ابتدا و نیز «پی‌نوشت» کتاب اشاره کرده، اصول مورد نظر نویسنده در لفافه‌ی داستان گنجانده شده است.

کتاب مامان و معنی زندگی، کتاب درسنامه‌ی روانپزشکی، روان‌درمانی، اخلاق، آموزش و شناخت همه‌ی ابعاد وجودی - معنی چهار بعد بیولوژیک، روانی، اجتماعی و معنوی - انسان است که شالوده‌ی رویکرد نوین روانپزشکی است و انستیتو روانپزشکی تهران خوشحال است که با به همکاری خواندن سرکار خانم دکتر سپیده حبیب و انتشارات کاروان در ترجمه و چاپ این کتاب گام‌های ابتدایی پرداختن به این رویکرد را در ایران برمی‌دارد. امید که مقبول استادان، دستیاران روانپزشکی، بیماران و خانواده‌های رنج‌کشیده‌ی آنان قرار گیرد و به جنبشی نوین در آموزش روانپزشکی انسان‌گرا، جامعه‌نگر و معنماحور بینجامد.

دکتر جعفر بواله‌ری

رئیس انستیتو روانپزشکی تهران

قدردانی

سپاس من نثار همی کسانی که این کتاب را خواندند، درباره‌ی آن نظر دادند یا به هر روش سودمند دیگری در شکل‌گیری نسخه‌ی نهایی آن سهیم شدند؛ سارا لیسکاوت؛ دیوید اسپگل؛ دیوید ون؛ جو آن میلر؛ ماری ییلمز؛ آن آروین؛ بن یالوم؛ باب برجر؛ ریچارد فوموزا؛ و خواهرم ژان رز. مثل همیشه عاشقانه و به دلایل فراوانی که قادر به برشمردنشان نیستم، مدیون همسرم مریلین یالوم هستم و مدیون ویراستارم فیبی هاس که در این اثر هم، مانند بسیاری کتاب‌های دیگر، بی‌رحمانه مرا بر آن داشت که با تمام توان بنویسم.

به سل اسپرو، روانپزشک، شاعر و هنرمند
به پاس چهل سال دوستی: چهل سالی که در زندگی، کتاب‌ها،
آفرینش متهورانه و تردید مسلم در معنای همه چیز،
شریک یکدیگر بودیم.

۱. د. بالوم

به آذر و فریدون.

س.ح

شخصیت‌ها و موضوع داستان‌های اول، دوم، سوم و چهارم واقعی‌اند ولی
نام، خصوصیات و موقعیتشان تغییر یافته است. داستان سوم براساس وقایع
حقیقی نوشته شده، ولی جزئیات شخصیتی و موقعیت‌ها تغییر داده شده
است. داستان‌های پنجم و ششم تخیلی‌اند و هرگونه شباهت شخصیت‌ها با
اشخاص حقیقی زنده یا مرده کاملاً اتفاقی است.
